

# سنجشی دیگر

بررسی آثاری از نویسندگان  
ایران و تاجیکستان

نویسنده و منتقد

نادره بدیعی

# سنجشی دیگر

بررسی آثاری از نویسندگان ایران و تاجیکستان

نویسنده و منتقد

نادره بدیعی



مشارکت آردین

|                     |                                                                                         |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : بدیعی، نادره، ۱۳۲۹                                                                    |
| عنوان و نام پدیدآور | : سنجشی دیگر، بررسی آثاری از نویسندگان ایران و تاجیکستان / نویسنده و منتقد: نادره بدیعی |
| مشخصات نشر          | : تهران، آرون، ۱۳۹۸                                                                     |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۸۸ ص.                                                                                |
| شابک                | : ۵ - ۶۷۵ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸                                                             |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیفا                                                                                  |
| موضوع               | : نویسندگان ایرانی - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر                                               |
| موضوع               | : Authors, Iranian- ۲۰ th century- Criticism and interpretation                         |
| موضوع               | : نویسندگان تاجیک - قرن ۲۰ م - نقد و تفسیر                                              |
| موضوع               | : Authors, Tajik- ۲۰ th century- Criticism and interpretation                           |
| موضوع               | : ادبیات تطبیقی - فارسی و تاجیکی - تاریخ و نقد                                          |
| موضوع               | : Comparative literature- Persian and Tajik - History and criticism                     |
| رده‌بندی کنگره      | : PIR ۳۴۰۳                                                                              |
| رده‌بندی دیویی      | : ۸ فا ۰ / ۹۰۶۲                                                                         |
| شماره کتابخانه ملی  | : ۵۷۴۵۱۳۷                                                                               |



انتشارات آرون

## سنجشی دیگر

بررسی آثاری از نویسندگان ایران و تاجیکستان

نویسنده و منتقد: نادره بدیعی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۸

چاپ صدف: ۱۰۰۰ نسخه

۳۸۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری،

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

## به نام خداوند جان و خرد

### فهرست

- دیباجه ..... ۵
- در شعر زیستن، با شعر ماندن ..... ۱۱
- (بررسی کتاب سروده‌های استاد لایق، شاعر تاجیک)
- ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی ..... ۲۷
- (بررسی و معرفی کتاب «تاجیکستان، بهای آزادی»، دکتر شادمان یوسف)
- نگهداشت زبان فارسی با اسطوره زرتشت؟ ..... ۳۵
- (بررسی کتاب «اسطوره‌ی زندگی زرتشت»، نوشته‌ی دکتر ژاله آموزگار، دکتر احمد تفضلی)
- کتاب‌هایی که اندیشه‌ها را دگرگون کردند ..... ۵۳
- (بررسی کتاب «کتاب‌هایی که دنیا را تغییر دادند»، نوشته‌ی رابرت بینگهام داونز، برگردان گروه مترجمان، با ویراستاری دکتر سیروس پرهام)
- عاطفه‌ی شرقی در این نزدیکی ..... ۷۹
- (بازکاوی کتاب «نزدیکی»، نوشته‌ی حنیف قریشی، برگردان نیکی کریمی)
- نقد این «نی‌نامه‌ی جامی» بخوان! ..... ۸۹
- (نقد کتاب «نی‌نامه‌ی جامی»، به تصحیح دکتر مظفر بختیار)

- آنکه عشق تو ندانست چه می داند شعر ..... ۱۱۷  
(نگاهی به «دفتر شعر عسکر حکیم»، شاعر تاجیک)
- تاریخ سرایی از گونه‌ای دیگر ..... ۱۳۳  
(بررسی کتاب «دانشنامه‌ی منظوم ایران»، سروده‌ی پروفسور حسن امین)
- تمدن‌های کهن ایران و دولت‌های فراگیر ملی ..... ۱۶۱  
(نقدی بر کتاب «جهان نمای تاریخ ایران»، نوشته‌ی دکتر هوشنگ طالع)
- همه زنان با زبان پارسی ..... ۱۶۹  
(بررسی کتاب «فرهنگ نامه‌ی زنان پارسی‌گو»، نوشته‌ی نجف علی مهاجر)
- باغ شفتالو ..... ۱۷۵  
(نقد و معرفی کتاب «باغ شفتالو»، نوشته‌ی شاه‌منصور شاه‌میرزا خواجه‌اف، شاعر و نویسنده‌ی تاجیک)
- بن‌مایه‌ها ..... ۱۸۵

## دیباچه

هنر نقدنویسی و سنجش نوشتارهای دیگران، در ایران زمینِ فرهنگی و فرهنگ آفرین. سخن تازه‌ای نیست چرا که از دیرباز در میان پژوهشگران و اهل قلم در ایران، نگاشتن "تحشیه" و "تکمله" بر دفترهای دیگران، خود نه تنها نقد و سنجش که به کمال رساندن کار شخصی دیگر بود و این سنت بسیار دیرپا هم چنان بود تا دانش آموختگان ایرانی که به باختر زمین رفته بودند به سرزمین مادری، به ایران گرامی بازگشتند و نقدنویسی به شیوه باختریان را در ایران شناسانده و رواج دادند و درباره نقد و سنجش، نوشتارهای فراوان منتشر کرده یا به انتشار و برگردان کتاب‌هایی که جستار آنها نقد و بررسی کتاب و شیوه‌های نگارش نقد بود دست یازیدند و از این راه اهل قلم، فرهنگ و دانش را با شیوه‌های نوین نقدنویسی آشنا نمودند، حتی "سخن سنجی" و سنجش اثرهای دیگران، بخشی از کتاب‌های درسی یا واحدهای آموزشی دانشگاه‌ها و رشته‌های علوم انسانی گردید. هنوز دانشگاهیان و اهل قلم در ایران، درس‌های سخن سنجی شخصیتی فرهنگی و ادبی هم‌چون دکتر لطف علی صورتگر را فراموش ننموده‌اند.

که یادش به خیر باد.<sup>۱</sup>

اما در آغاز آشنایی اهل قلم ایران با نقد و بررسی کتابها به شیوهٔ باختریان با افسوس بدفهمی‌هایی هم رخ داد که برخی بدون این که اصول نقد را بیاموزند با برداشتی سطحی یا دریافتی ساده انگارانه "نقد" را به هتاک و کوبیدن این و آن یا تصفیه حساب با رقیبان، اشتباه گرفتند و فراموش نکرده‌ایم که چه ناسزاها و نارواها که بر برگ‌های مطبوعات ایران به نام "نقد" نشست و گاه هم این گونه کسان، به جای نقد بر کارهای دیگران، به مطرح کردن خود می‌پرداختند، اما خوش‌بختانه با گذشت زمان و بایاری آگاهان، "نقدنویسی" و درست‌اندیشی در نقد و سنجش در ایران پای گرفت و دانستیم و دریافتیم که نقد به راستی جدا کردن سره از ناسره است. نه ویرانگری کارهای دیگران یا کوبیدن شخصیت این و آن و بسیار منتقدانی که به میدان نقد و بررسی پای نهادند که آگاهانه و با بی‌طرفی، کارهای دیگران را به سنجش و واکاوی نشستند که نه تنها در کار کتاب که در کار سینما، تئاتر، شعر، ادبیات، موسیقی و ... و در سال‌های اخیر حتی نقد و بررسی لوح‌های فشرده موسیقی، این گونه نقدها را دیده و خوانده‌ایم و حتی خوشبختانه، نشریات تخصصی نقد در ایران منتشر شد و می‌شود.

---

<sup>۱</sup> - پدر من جاودان یاد، میرزا نصراله‌خان بدیعی از فرهیختگان و اهل ادب شیراز بودند و با بسیاری از شاعران، ادیبان و اهل فرهنگ شیراز آشنایی نزدیک و رفت و آمد خانوادگی داشتند که از آن جمله بود زنده یاد دکتر لطف‌علی صورتگر که هم چنان مهر پدر و یاد دوستان پدرم را در دل زنده می‌دارم که امید روانشان با جهان مینو پیوند یابد.

در این جا نمی‌خواهم به جستار چگونگی نقد در ایران یا بررسی شیوه‌های گوناگون نقد نویسی بپردازم که آگاهان و دست‌اندرکاران بسیار چنین کرده‌اند اما بایا می‌دانم که بنگارم من خود، شیوه نقدنویسی تحلیلی را بر دیگر شیوه‌ها خوشتر می‌دارم چرا که در نقد تحلیلی و واکاوی اثرهای دیگران منتقد نه تنها کاستی‌ها یا برتریهای یک کتاب یا نوشتار را تحلیل و واکاوی می‌کند و درباره‌اش به داوری می‌نشیند بل، که می‌تواند خلاقیت و آفرینشگری، نیرو و توان تحلیل خود و میزان احاطه‌اش برجستاری که به نقد آن دست یازیده است را نشان دهد و این چنین نقدنویسی را من برتر و بهتر می‌دارم هرچند که شیوه‌های بسیاری در کار نقد و سنجش هست و شاید آگاهان و دست‌اندرکاران، شیوه‌های دیگری از سنجش و واکاوی کار دیگران را بهتر بدانند که اندیشه و رای آنان را هم گرامی می‌دارم.

به هر روی آن چه را که در این دفتر می‌خوانید گردآمده‌ای از یازده نقد تحلیلی و واکاوانه‌ای است که بر یازده دفتر از شاعران، نویسندگان، پژوهشگران و یک مورد هم تصحیح یک دیوان و بررسی یک رمان در یک درازنای زمانی نگاشته‌ام که به ترتیب زمان نگارش در این کتاب آمده‌اند. علت گزینش این یازده کتاب برای بررسی آن بود که می‌اندیشیدم هم این کتاب‌ها سخنی برای گفتن داشته یا نداشته‌اند و من هم درباره جستارهای این کتاب‌ها سخنی برای گفتن - شاید هم نگفتن؟! - داشته‌ام و بی‌آن که بخواهم ادعای منتقد بودن داشته باشم بر آن شدم تا این یازده نقد را در یک جا گرد آورم و خود، این مجموعه را به نقد و بررسی و واکاوی منتقدان گرامی یا خوانندگان آثارم بگذارم.

در این جا بایسته می‌دانم دربارهٔ چند کتاب که نقد و بررسی یا واکاوی آنها را در این دفتر می‌خوانید نکته‌هایی را بنگارم تا خوانندگان آگاه باشند. مورد نخست را که به آن اشاره می‌کنم، "گلچین اشعار استاد لایق" شاعر بزرگ تاجیکستان است که درست به یاد دارم ساعت ۹ شب آغاز به خواندن گلچین سروده‌هایش کردم و با خود گفتم چند سروده را می‌خوانم و دنبالهٔ آن را به فردا روز می‌افکنم ... سربلند کردم سپیده زده بود و آن چنان سروده‌های لایق، این لایق شعر مرا به خود خواند که تا سپیده دم کتاب را به برزمین ننهادم تا به پایان رسید و پس از آن که بر کتابش نقد نوشتم و آن را به تاجیکستان گرامی فرستادم، در نشریهٔ ادبیات و صنعت (هنر) تاجیکستان به چاپ آمد و آن زمان که استاد لایق برای شرکت در همایش "زبان فارسی، زبان علم" که در مرکز نشر دانشگاهی برگزار شد به ایران آمد برایم یادداشتی فرستاد و سپاس گفت که آن را در پایان همین کتاب خواهید دید.

کتاب دوم دانشنامه منظوم ایران (با اقتباس از شاهنامه) سرودهٔ پرفسور حسن امین است که ایشان خود، کتابشان را به من پیشکش کردند و از من خواستند که بر کتابشان نقدی بنگارم و من چنین کردم و ایشان با بزرگواری نقد مرا که در چند جا هم از ایشان انتقاد کرده بودم بر برگهای وزین ماهنامهٔ حافظ نشانند، دستخط ایشان را نیز در پایان کتاب خواهید دید.

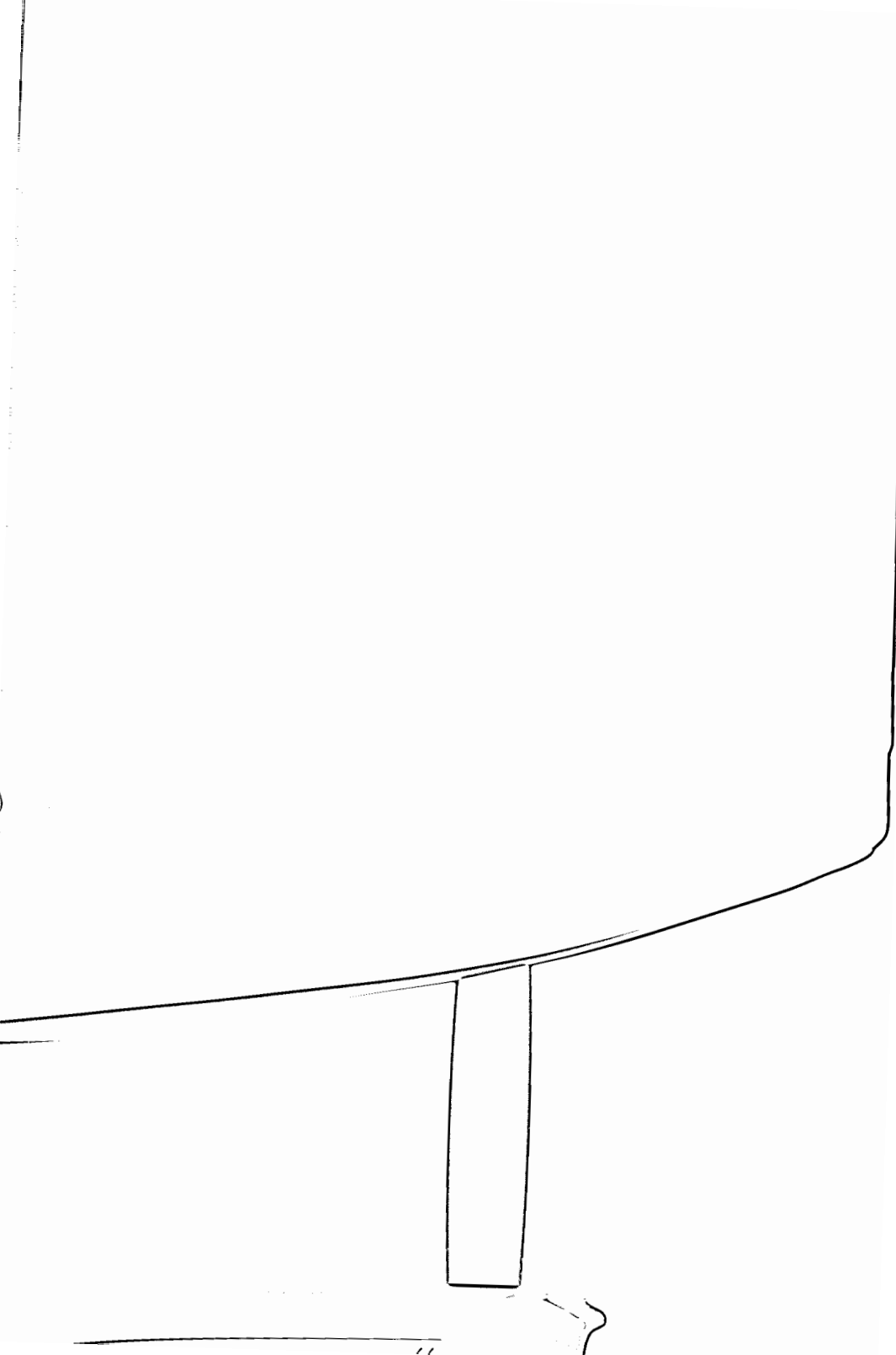
مورد دیگر رمان "نزدیکی" نوشتهٔ حنیف قریشی، انگلیسی پاکستانی تبار است که آن را سرکار خانم نیکی کریمی هنرمند ارزنده و کارگردان گرامی سینمای ایران، به فارسی برگردانده‌اند و در پیش‌گفتار کتاب

نگاشته‌اند که این کتاب را ترجمه کرده‌اند تا دیگران را در لذتی که از خواندن این کتاب برده‌اند سهیم سازند و من با آن که چندان وقت برای خواندن رمان ندارم و بیشتر زمینه مطالعاتی‌ام کتابهای پژوهشی و فرهنگی هستند، به راستی در لذتی را که خانم نیکی کریمی به آن اشاره کرده بودند چنان سهیم شدم که این احساس مرا بر آن داشت تا به تحلیل و بررسی کتاب "نزدیکی" پردازم.

این نکته را هم بنگارم که بیشترین این نقدها در ایران و تاجیکستان، به چاپ آمده‌اند و تنها یکی دو مورد است که نقدها برای نخستین بار و در این مجموعه منتشر می‌شود و امیدوارم این گرد آمده، خوانندگان کتاب را خوش آید و بر دل ایشان بنشیند و اگر توانسته باشم در راه آگاهی بیشتر خوانندگان بینا دل کتاب، شمعی افروخته باشم بی‌گمان به یک خرسندی درونی خواهم رسید.

نادرة بدیعی

شمیران، تیرماه ۱۳۹۸



اسفند ماه ۱۳۷۲

نام کتاب: گلچینی از اشعار استاد لایق شیر علی

نویسنده: لایق شیر علی

نوبت چاپ: اول ۱۳۷۲

ناشر: انتشارات بین‌المللی الهدی

### در شعر زیستن، با شعر ماندن

خواندم، شعرها را، شورها را خیالها را و زبان پرستی‌ها را و... اندیشه‌ها را با سری پر شور و چشمی نگران، دلی سرسان و روانی که کنج‌ها را می‌کاود.

خواندم تا از درون شعر که آئینه روح تاجیکان است، روان خود را با تازگی‌ها و لطافت‌ها و نرمی تاجیک‌وار آنان پیوند زنم، خواندم یک شبه و با نرمشی تاجیک سان که به فرموده پیر بلخ:  
یک حمله و یک حمله کامد شب و تاریکی  
چستی کن و ترکی کن، نی نرمی و تاجیکی

خواندم با نرمشی تاجیک سان، می‌خواستم از چهره‌ای که در این آئینه هویدا است، خاک سرزمین تاریخ نشان و تاریخ ساز تاجیکستان را ببویم و بوی یاران مهربان را بشنوم. می‌خواستم میان رهی دیگر به درون فرهنگ کهن و زبان پارسی بزنم، خواندم با نرمشی تاجیک سان و یک شبه، شبی که از درون آن سپیده سر زد و مرا با خود به روشنان سپیده

شعر، به دشت ناپیدا کرانه سغد برد. گویی جهش‌های آهوی کوهی را در آن دشت جاودانه، بر رگهای اندیشه‌ام حس می‌کردم. گویی سخن رودکی بزرگ را در سپیده دمان آغازین شعر پس از اسلام می‌شنیدم و سرانجام چهره‌ای لایق را از درون شعرهای استاد لایق می‌دیدم که میراث‌دار سرزمین فرهنگ خیز بو حفص و رودکی است و چه خوش، زبان فارسی و واژه‌های خوش آهنگ آن را به کار گرفته تا از تاریخ بگوید، از مادر و زبان مادری بگوید، از عشق و انسان بگوید و از آرمان خواهی انسان نیز. و من در این نوشتار، آهنگ آن دارم تا اندیشه‌ای را که در تار و پود واژه‌های این کتاب نهان است بکاوم و در این باره جستاری را به دست دهم تا شاید اهل نظر و صاحب‌دلان را بر دل نشیند که شعرهای استاد لایق را در این کتاب می‌توان به چند گروه کاملاً مشخص بخش کرد و درباره هر کدام از آنها نوشت و بسیارهم:

گروه اول: عاشقانه‌ها و سرمستی‌ها و از خویش گفتن‌ها که بیانگر عاطفه‌ها، مهر ورزی‌ها، جوانی‌ها و حس و ذهن شاعر است و با عاطفه‌های جوانی‌های شاعران همه سرزمین‌ها، انباز و مشترک. همان در حلقه زلف پیچیدن‌ها. همان بیم موج‌های شب هجران و سبکباریهای ساحل‌های وصل، همان سنگدلی‌های یار و از عشق گفتن. از کودکی گفتن از یار گفتن، از خویش گفتن که بیشتر این گروه از شعرهای استاد لایق را باید در دوبیتی‌های او جوید و پسانتر در برخی از غزلواره‌ها که در کتاب زیر سر نام «ریزه باران» آمده است و بسیاری از آنها سرشار از تشبیه‌های نو و تازه و گاه بی‌سابقه و لبریز از واژه‌های ناب فارسی‌اند.

این گونه غزلواره‌های عاشقانه و دوبیتی‌ها زبانی نرم و روان و سنجیده دارند که با سادگی بسیار، از مفاهیم عادی زندگی روزانه، تشبیه‌های نو و تازه را پدید آورده است. هم چون دلی که به یک سنجاق طلایی مانند شده و بوی عطر و ادکلن که در برابر بوی وفا جای گرفته و دیگر واژه‌های ناب فارسی هم چون کافتن، پاچین، خاکستان و از این دست نوگوئی‌ها و نوجوئی‌ها:

دریغ و درد از دست جدایی    دریغ دیگری از نارسائی  
دل من ناگهان افتاد و گم شد    ز گیسوئی چو سنجاق طلایی  
ز عشقت گر صفا آید چه خوبی    مراد جان ما آید چه خوبی  
ز گیسویت بجز عطر فرنگی    اگر بوی وفا آید چه خوبی  
ز خود بی خود شدم یاد تو کردم    به خود باز آمدم یاد تو کردم  
به خاکستان دنیا چه هر خاکی    همه بر سر زدم یاد تو کردم

و یا در غزلواره‌ای که می‌گوید:

در این محل که پاچین باغ‌ها مانده  
یگانه میوه امید و آرمان منی  
در این جهان جزای «زماست که بر ماست»  
تو هم بهار منی، تو هم خزان منی  
در گیسوان بی‌غمت عطر بهارها  
در دیدگاه روشنت نور بقای من

گیسوی بی غم! کنایه ای لطیف و زیبا.  
گروه دوم: اشعار میهنی شاعر است که از درون هویت تاریخی و  
فرهنگی شاعر جوشیده و با نیاخاک تاجیکان پیوند یافته است.

تاجیکستان، مظهر من، سرزمین کم زمین  
تو سراسر کوهساری، تو سراسر سنگزاری  
چون که فرزندان تو در طول تاریخ دراز  
هر کجا رفتند مشتی خاک با خود برده اند  
خاک تو با سر پرشور دیواشتیج تا بغداد رفت  
خاک تو با سر رخشانه تا یونان رسید  
برد سینا تا همدان خاک تو...

خاک در شعر استاد لایق، اشارتی است به آرامش، آرامشی که از  
درون آن توفان بیداد و ستمهای فرنگ و ترک و تازی بر نیاخاک  
تاجیکان رخ می‌نماید و تاریخ ورارودان را با آن همه فراز و نشیبش با آن  
همه آرامش و پریشانی‌اش پر از رویداد و ماجرا می‌سازد. شعرهای میهنی  
استاد لایق، اشارتی آشکار است به هویت تاریخی و فرهنگی سرزمین  
ماوراءالنهر و نقشی را که این سرزمین در درازنای سده‌های دور تاریخ بر  
دوش کشیده است.

مسندی در حلقه صحرانشینان  
بوستانی در میان شوره زاران  
گلخنی در لا به لای کور دود  
پهلوانی در میان ناتوانان آل سامان

که سامانیان یکی از جلوه‌های بزرگ تاریخ تیره تاجیک است که سر  
آغاز بازیافت هویت زبانی و فرهنگی ایران زمین گشتند.

آنجا که از فردوسی می‌گوید، از رودکی و خیام می‌گوید از پورسینا  
می‌گوید و از وطن می‌گوید و حتی آنگاه که از دره ورزاب و دوشنبه  
می‌گوید، همه‌جا با غرور از این هویت تاریخی و فرهنگی خود یاد می‌کند:  
گر نباشد نامم از نام وطن گر نباشد خلقت من ساختن  
گر نسوزم در غم شعر و سخن زندگی اندیشه خام من است

می‌روم در حسرت رویت ز دهر چون غریبی در غم خاک وطن  
از سینه مادران همه شیر سفید از سینه تاریخ همه خون خوردم

سرانجام از سرزمین کم زمین تاجیکستان امروز به فراسوی  
مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی نظر می‌افکند و سرزمین یک پارچه  
ایران کهن را می‌نگرد و چنین می‌سراید:

ای شوق تو ابتدای خط و قلمی دروازه آفتاب زرین علمی  
البرز تو یا عابده فردوسی یا منبر شعر و شاعران عجمی

و در آرزوی بازیافت گوهر فرهنگ دیرپا و پیوند بر اصالت‌های  
تاریخی چنین می‌سراید:

ای یار بیا و خانه آبادم کن چون مصرع شعر رودکی یادم کن  
امروز ز بسکه آخرین سفیدی ام پیوند به دهر سلک اجدادم کن